

با این سروده نتیجه تفکرات چندین ساله ام را در قالب شعری به خوانش شما عزیزان تقدیم مینمایم. امیدوارم از خوانش آن برای تان خستگی رخ ندهد.



### چی ام و کی ام؟

من چی ام؟ در مجمع ستاره ها

کاینات و کهکشان، مهپاره ها

درمیان گیسو دار قوه ها

در تجلای فزون آئینه ها

من چی ام در طول و عمق این مکان

در گذشته، حال و در آخر زمان

من چی می بودم گرم پیدا نبود

نظم و نسق آسمانها را چه بود

\*\*\*

نقطه ام وابسته در چوکاتها

در خط لامقطع بی انتها

قسمت من بود در شمس النظام

فانی دیر، باقی دار المدام

من کی ام؟ جسمی به جان آمیخته

قطره ی کو از سر شوق ریخته

حلقه ای در کاروان زندگی

رفت و آمد را دهم پیوستگی

من تجلی وجود اقدس

رابط آن ذات واجسام و جرم

زره ام در خط سیر نسل ها

هم به خط ارض و انسان و خدا

مقطع این دو بُود میلاد من  
پایش این باهمی میعاد من  
مرکزی ام در زمان و در مکان  
هستی من هاله در دور آن  
راه سیرم را دمی تکرار نیست  
مُهلت اکنون دگر چند بار نیست  
قبض روحم در چه وقت و در کجاست  
در زمین یا آتش و آب و هواست  
چون معمای فنا لاینحل است  
تن به تقدیرم مرا راه حل است  
زنده گی ام دوره بی هیچ نیست  
عمر من جز حلقه در پیچ نیست  
کی فرشته خلق کردستم خدا  
هم تفاوت باشدم با چارپا  
\*\*\*

من برای امتحانی آمد م  
بهر سه کار و جوابی آمد م  
علم را در زندگی و بعد موت  
منزلت هاست، زیورست پریمنت  
هم عمارت بهر مردم ساختن  
بعد مرگ با فیض آن پرداختن  
یا یکی فرزند نیک و پر بها  
بهر نسل بعد بگذارم بجا  
این سه عنصر اصل خیر جاویدان  
هم در این دنیا، هم در آن جهان  
امتحان ما به آدم بودن است  
آدمیت اصل آدم بودن است  
روزه و حج و نماز از بهر چیست؟  
بهر خالق این نیاز از بهر چیست؟

خالق حق بی نیاز از من بود  
بی نیاز از چند نماز من بود  
این عبادت ها ره جانکاهی است  
خود شناسی و جهان پردازی است  
تا شناسم رحمت پروردگار  
تا نمایم بهر دنیا کار و بار  
از مجموعه "آه نارسا"